

فراز کوهی به خاک سپردند.

منابع: رشیدالدین فضل‌الله، کتاب جامع‌التواریخ، ج ۲، چاپ ادکار بلوشه، لیدن ۱۹۱۱، ص ۱۷۷ به بعد؛ [عبدالله بن فضل‌الله وصاف حضرة، تحرير تاريخ وصاف، به تلم عبدالمحمد آینی، تهران ۱۳۴۶ ش]؛ W. Barthold, *Four studies on the history of Central Asia*, tr. V. and T. Minorsky, I, Leiden 1956; Grousset, *L'Empire des Steppes*, Paris 1939; d'Ohsson, *Histoire des Mongols*, III, 427 ff.; B. Spuler, *Die Mongolen in Iran*², Berlin 1955.

/و. بارتولد و ج. بویل (د. اسلام) /

براقی، حسین بن احمد (یا سیدحسون براقی)، مورخ و رجال شناس شیعی عراقی در ۱۲۶۱ در براق، از محلات نجف، در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. از دوران کودکی نزد دانشمندان و ادیبان به تحصیل پرداخت و در جوانی به سلک اهل علم درآمد. به تاریخ، بویژه تاریخ عراق، سخت دلبسته بود و برای آگاهی از حوادث تاریخی و نیز کسب اطلاعات، با استادان و آگاهان الفت و مراوده داشت. همچنین به مطالعه کتب تاریخی اهتمام بسیار می‌ورزید. بسیاری از کتابها را استنساخ می‌کرد و نسخه‌های خطی بعضی از کتابهای نایاب که به خط او نوشته شده تا این اواخر در کتابخانه‌های نجف موجود بوده است (آقابزرگ طهرانی، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۲۴). براقی زبان فارسی را نیک می‌دانست و از کتب فارسی درباره تاریخ عراق مطلب جمع می‌کرد (همان، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۲۵) و برای نگارش دقیق تاریخ، به بیشتر شهرهای عراق مسافرت و از آثار باستانی آنها دیدن کرد (همانجا). او درواقع تنها مورخی است که تمامی همت خود را صرف نوشتن تاریخ عراق، خصوصاً کوفه، کرده است. محمدرضا مظفر در مقدمه خود بر کتاب تاریخ‌الکوفه می‌نویسد که کار براقی حق اهمیت تاریخی این شهر را ادا کرده است (براقی، ص ۱۳-۱۷).

آثار او هرچند از نظر ادبی بلیغ و فصیح نیست، به سبب دربر گرفتن مطالب مهم تاریخی، توجه مورخان را جلب کرده است. براقی در ۱۳۲۰، به سبب برخی بیمهریها، به قریه لُهیّات، از نواحی حیره، مهاجرت کرد و تا پایان عمر در همانجا به تحقیق و تألیف پرداخت. او در ۱۳۳۲ درگذشت (زرکلی، ج ۲، ص ۲۳۳) و در نجف به خاک سپرده شد (آقابزرگ طهرانی، همانجا؛ کحاله، ج ۳، ص ۳۰۹).

تألیفات براقی حدود هشتاد اثر، و بیشتر در تاریخ و رجال است. او در بعضی از کتابهای خود نکات تازه‌ای مطرح کرده

است. آقابزرگ طهرانی (همانجا)، به گفته خودش، همه تألیفات او را دیده است. مهمترین تألیف براقی تاریخ‌الکوفه، و بعضی دیگر از آثار او عبارت‌اند از: *بهجة المؤمنین فی احوال الاولین و الآخرين*، در تاریخ از ابتدا تا زمان مؤلف در چهار مجلد؛ *فلائد الدر و المرجان فیما جرى فی السنین من طوارق الحدثان*، در تاریخ؛ *براقیة السیرة فی تحذیرالحیره*، در تاریخ حیره و آثار قدیم عراق؛ *السیرة البراقیة فی رد صاحب النفعه العنبریة*، در علم انساب؛ کتاب *القربش و احوالهم*؛ *اکبر المقال فی مشاهیر الرجال*؛ *السیرة المکنون فی الغائب المصون*؛ *تغییر الاحکام فیمن غبداً الاصنام*؛ *التحفة الجلیة فی احوال الوهایة*، در تاریخ پیدایش وهابیت و رخدادهای مربوط به آنان در عراق.

منابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشيعة*، جزء ۱: *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد ۱۴۰۲؛ حسین بن احمد براقی، *تاریخ الکوفه*، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ خیرالدین زرکلی، *الاعلام*، بیروت ۱۹۸۶؛ عمررضا کحاله، *معجم المؤلفین*، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۷۶].

/داود الهامی /

بُرء السَّاعَةِ (لفظاً به معنای «درمان یکساعته/فوری»)، رساله کوثامی تألیف محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳) به عربی، که در آن، درمان نسبتاً سریع شماری از بیماریها را به اختصار ذکر کرده است.

انگیزه تألیف این رساله را رازی در مقدمه چنین بیان کرده است: در محضر ابرالقاسم بن عبدالله وزیر که گروهی از متطببان نیز در آن حضور داشتند، سخنی از پزشکی به میان آمد (در نجم‌آبادی، ص ۱۵۲: «وزیر منصور»، ولی هویت این «منصور» را ذکر نکرده است؛ شاید همان فرمانروای ری، منصوربن اسحاق بن اسد [حک: ۲۹۰-۲۹۶] باشد که رازی، الطب المنصوری را به نام او کرده است). یکی از اینان گفت که «بیماریهایی که ماده و علل آنها به مرور ایام و ماهها [در بدن] گیرد می‌آید، درمان آنها نیز مدتی به درازا می‌کشد». در برابر شگفتی حاضران، رازی ادعا کرد که «بیماریهایی هم هست که به روزگاران متکون می‌شود ولی در یک ساعت (فوراً) درمان‌پذیر است». لذا وزیر از او درخواست کرد که کتابی درباره چنین بیماریها و درمانهایی تألیف کند. از این رساله نسخه‌های خطی بسیاری وجود دارد (س. رازی، ترجمه فرانسوی گیگ، ص ۳۶۳؛ نجم‌آبادی، ص ۱۵۶؛ سرگین، ج ۳، ص ۲۸۴-۲۸۵). شمار چنان بیماریهایی، بسته به اختلاف نسخه‌ها، در حدود ۲۳-۲۸ است. در نسخه چاپ اُفسِ فخرالدین نصیری امینی، ۲۳ بیماری (و درمان آنها) مندرج است: صداع (سُرُود)؛